



<http://www.arianafghanistan.com>

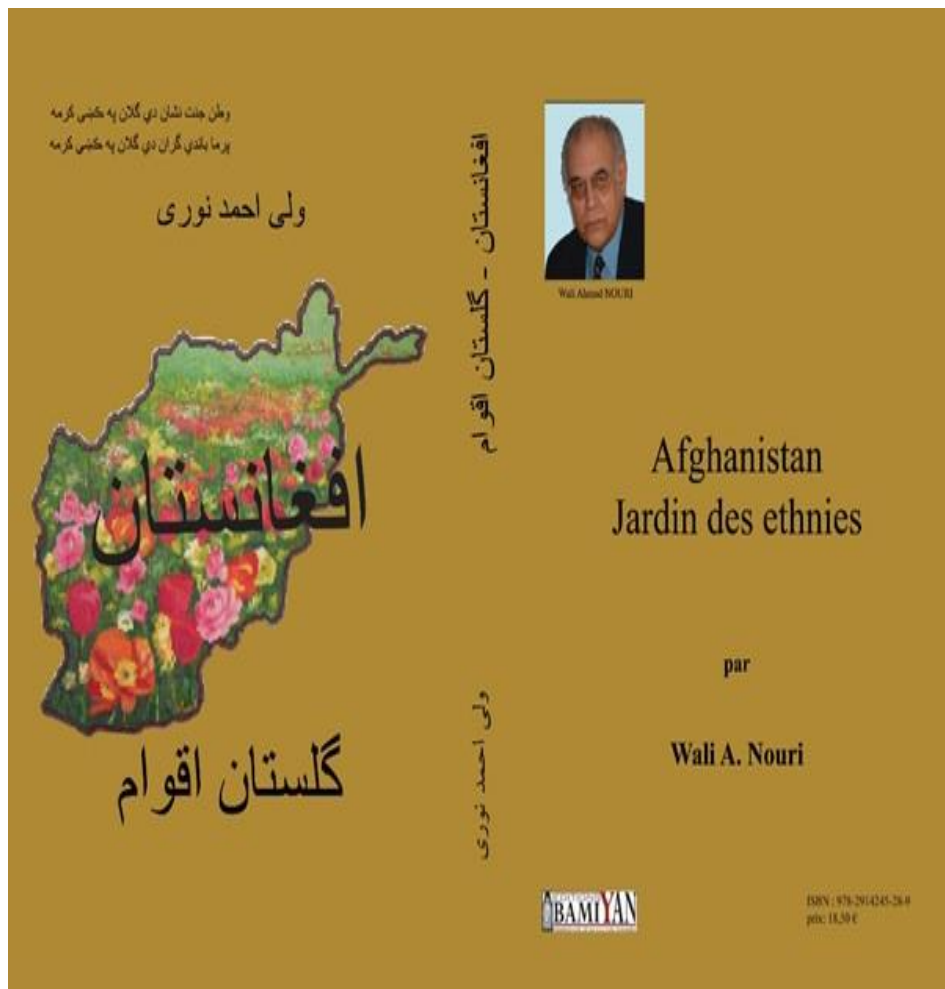


۲۰۱۸/۰۶/۲۲

ولی احمد نوری

# افغانستان گلستان اقوام

قسمت نهم



## افغانستان گلستان اقوام

قسمت نژدهم

# توطئه های استعماری و امپریالیستی ایران

## نسبت به افغانستان

از

دکتور میر عبدالرحیم عزیز

یازدهم نومبر ۲۰۰۷

نظام فاشیستی آخندی ایران با جدیت کامل در دامن زدن نفاق میان مردم افغانستان فعال بوده و سعی می ورزد که به وسیله عمال خود در داخل کشور ما، زمینه را غرض تجزیه و بربادی افغانستان آماده سازد. سفارت ایران و قنصلگری های این کشور در کابل و سایر شهرهای افغانستان با پخش اوراق ضد روحیه افغانی، عمال شان درین راه مساعدت می نمایند.

هموطنان ما بیاد دارند که از مدت چندی بدین سو، بک تعداد از دست پروردگان استعمار کلمه "افغانستانی" را عوض نام "افغان" بکار میبرند و میخواهند که این کلمه جزء فرهنگ سیاسی ما گردد. منبع اشاعه ای این کلمه ایران است که ذریعه عمال خود در افغانستان در صدد ترویج این کلمه بوده که هدف غائی آن انهدام هویت ملی ما و نام کشور ماست.

اخبار، مجلات و سایر رسانه های گروهی نظام فاشیستی ایران نیز با استعمال کلمه "افغانستانی" به عوض کلمه "افغان" در تلاش اند تا روحیه و همبستگی ملی ملت زجر کشیده افغان را مضمحل سازند. به طور مثال خبر گزارى ایرنا مورخه ۷ میزان ۱۳۸۳ ش مطابق ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۴ م چنین گزارش داد:

«حدود ۹۰۰ نفر از اساتید دانشگاه ها، دانشجویان، فعالان سیاسی، شاعران و نویسندگان و خبرنگاران "افغانستانی" با صدور اعلامیه ای از روند سیاسی کنونی این کشور ابراز نگرانی کردند.»

هم میهنان ما خوب میدانند که استعمال نام "افغانستانی" به عوض نام "افغان" به وسیله حاکمیت فاشیستی ایران مداخله مستقیم در امور داخلی کشور ما تلقی می گردد که در حقیقت از نیت استعماری ایران علیه خاک مقدس افغانستان سر چشمه می گیرد.

یکی از جواسیس ایران به اسم "چنگیز پهلوان" که مدتی را هم با احمد شاه مسعود در دره پنجشیر سپری نمود با نشر مقالات متعدد در ترویج کلمه "افغانستانی" و دامن زدن اختلافات میان اقوام افغانستان نقش عمده ای را برای فعالیت سازمان جاسوسی ایران در افغانستان بازی نموده است. اعضای شورای نظار، جمعیت اسلامی ربانی و سایر ستمیان چپ و راست احترام خاصی به وی قایل اند و مقالات او را مکرراً تکثیر نموده و در میان اعضای خود و برای بدام انداختن سایر مردم توزیع می نمایند. لطفاً به بعضی مطالب ضد افغانی و تفرقه انگیز استعماری "پهلوان" که در کتابش به اسم (افغانستان: عصر مجاهدین و بر آمدن طالبان) درج شده است توجه فرمائید

**افغانستان در واقع امتداد حیات فرهنگی ماست که ما میتوانیم به حوزه های دیگر فرهنگی ایرانی به مفهوم وسیع آن برسیم. در اصل باید دانست که جدائی فرهنگی، زیان های جبران ناپذیر تا حال به بار آورده است و اگر هم اکنون به از میان برداشتن آن جدائی های فرهنگی توجه نکنیم شاید دیگر فرصتی نماند که بتوانیم اشتباه این مرحله را جبران کنیم. (ص ۵۴)**

این عقیده چنگیز پهلوان نظر کامل استعماری و توسعه طلبی ایران را نسبت به افغانستان ثابت می سازد که چطور ایران در صدد بلع و انهدام افغانستان است. در جای دیگر کتاب خود می نویسد:

**جهان بینی پشتونیزم نوعی جهان بینی عشیره یی است که با اتکا به شیوه های پدر سالارانه عمل می کند و با جهان مدرن و حقوق شهروندی بیگانه است. از نظر متفکران پشتونیزم تمامی مردم افغانستان حیات و حیثیت خود را باید مدیون پشتونان بدانند و باید بپذیرند که کسی جز پشتونان نمی تواند و نباید بر افغانستان حکومت کند. (ص ۱۳۹)**

این تعبیر چنگیز پهلوان از پشتون ها عمق بدبینی و نفرت وی را نسبت به یکی از اقوام افغانستان نشان می دهد. ضمناً وی سایر اقوام افغانستان را علیه یکدیگر تحریک نموده و نفاق و جنگ قومی را در کشور ما دامن می زند. مشکل افغانستان را بایست خود افغان ها حل نمایند و به هیچ اجنبی بالاحص افراد نا سالم کشورهای همسایه که نسبت به خاک و فرهنگ ما نیت استعماری دارند فرصت زهر پاشی و تفرقه افگنی ندهند.

زعامت آخندی ایران به این عمل خود مباحثات نکند که توانسته با صرف هنگفت پول، چند تن از اجبران را در افغانستان بدام انداخته و بعداً آنها را علیه منافع کشور شان استعمال نماید. زعامت آخندی ایران نباید فراموش کند که چطور سازمان مجاهدین خلق ایران منافع کشور شان را در بدل پول در پای صدام حسین ریختند و فروختند و اکنون

هم در خدمت سازمان های جاسوسی غرب اند. ما هم به همان نحو خائنان و ناخلفانی داریم که منافع کشور شان را در بدل پول فدای ایران، پاکستان و سایر اجنبیان می نمایند. همان طوری که مجاهدین خلق ایران امروز سیه روز و سرافکنده و دربدر و آواره دور جهان اند، عمال ایران در افغانستان هم روزی به همان سرنوشت شوم مجاهدین خلق ایران مواجه خواهند گشت.

نظام آخندی روش دوگانه را در معرض اجراء قرار میدهد: توسعه طلبی سیاسی و فرهنگی در خارج و اختناق در داخل. نظام آخندی سعی می نماید تا کشورهای همسایه را از طرق مختلف تحت نفوذ خود درآورد. اولاً می کوشد که افتخارات کشورهای آسیای میانه بالاخص افغانستان را به خود متعلق سازد. به طور مثال، ایران با مصارف هنگفت پول از سالیان متمادی بدین سو چنین وانمود کرده است که سید جمال الدین افغان، مولانا جلال الدین بلخی، بوعلی سینای بلخی و سایر دانشمندان افغانی متعلق به ایران اند. درین راستا، جواسیس ایران در افغانستان هم خدمات غیر شرافتمندانه خود برای اضمحلال فرهنگی و سیاسی افغانستان در اختیار نظام آخندی گذاشته اند.

ثانیاً ایران سعی می دارد که نه تنها اختلافات قومی را میان اقوام مختلف کشورهای همسایه دامن زند، بلکه همچنان جداً فعالیت دارد تا منازعات درونی را میان همکیشان مذهبی اش توسعه دهد تا بر مبنای آن سلطه سیاسی و فرهنگی ایران بر مردم این کشور ها تثبیت گردد. به طور مثال سازمان جاسوسی ایران در دهه ۱۹۸۰م حزب وحدت و سایر افراد سر سپرده ایران را مأموریت داد تا کلیه افراد ملی و سازمان های ملی گرای مردم نجیب هزاره را در هزاره جات و کابل تار و مار نمایند که در نتیجه این عمل ضد بشری هزار ها تن از خواهران و برادران شریف، وطندوست و بیگناه مردم رنجیده هزاره قتل عام شدند. مزاری، خلیلی (معاون رئیس جمهور افغانستان) و محقق (کاندید ریاست جمهوری افغانستان) از زمره عمال ایران بوده اند که تباهی های غیر قابل بیان را بر مردم شریف هزاره و کشور شان تحمیل کردند. ایران همچنان از هر گونه اقدام ضد افغانی در ایجاد تشنج و تفرقه افگنی میان اقوام افغانستان خود داری نمی ورزد. درین خصوص رسالات، کتب و مقالات متعددی را که مشوق کشمکش و جنگ های قومی در افغانستان است طبع نموده و به وسیله جواسیس ایرانی میان مردم پخش می نمایند. قابل یاد آوری است که تألیفات یک تعداد از افغان هائی که روحیه ضد افغانی و میهنی دارند چندین بار توسط ایرانی ها تجدید چاپ شده است.

ایران در سطح روشنفکری هم عمال زیادی در افغانستان تربیه کرده است. نسبت گماشتن عمال افغانی ایران در رأس ادارات حساس کشور، مطبوعات و سیستم معارف ما به طور وسیعی تحت نفوذ فرهنگی ایران قرار گرفته است. تقرر همچو افراد درین پست های بس مهم اتفاقی نه، بلکه بر مبنای یک طرح طویل المدت طرح ریزی شده است. سعی اول استعمار، بی فرهنگ ساختن مردم بوده و این دقیقاً طرحی است که سازمان جاسوسی ایران با سعی متداوم در افغانستان پیاده می کند که تا اندازه ای هم درین توطئه گری ها موفقیت هائی بدست آورده است. طوریکه یک تعداد از هموطنان ما بعد از برگشت از افغانستان حکایت نموده اند، اسماء و اصطلاحات ایرانی در لوحه ها، آثار و کُتب جانشین اصطلاحات دری افغانستان گردیده و دولت ضد ملی افغانستان هم با بی پروائی و حتی شاید تأیید ضمنی، این دگرگونی مصیبت بار را مشاهده می کند. اگر چنین تمایل ضد روحیه افغانی ادامه یابد، فرهنگ ملی و زبان زیبای دری ما به زودی منهدم خواهد شد و ایران یک قدم دیگر در تسخیر کامل سیاسی و فرهنگی افغانستان به پیش خواهد رفت.

در سطح ملی، پالیسی نظام آخندی بر مبنای پرنسپ های ضد دموکراتیک، اختناق و راه و روش های فاشیستی استوار است. عده زیادی از روشنفکران ایران که صدای اعتراض را علیه پالیسی ضد حقوق بشر نظام آخندی بلند نموده اند یا به زندان افتاده و یا اینکه ترور شده اند. افراد سازمان جاسوسی ایران مأموریت دارند تا مخالفین نظام را به هر نحوی که است در داخل و خارج نابود کنند. با وجود تقلای نظام آخندی در خاموش ساختن ندای آزادی مردم ایران، روشنفکران واقعی این کشور به مبارزات خود برای اظهار حق و حقیقت ادامه می دهند.

یکی از ارکان عمده پالیسی فاشیستی رژیم آخندی ایران تحمیل زبان فارسی و مذهب شیعه بر سایر اقلیت ها و اقوام مختلف ایران است. این روش با پالیسی توسعه طلبی فرهنگی ایران در خارج ارتباط ناگسستنی دارد. ایران در داخل در صدد محو فرهنگ و زبان های سایر اقوام ایران بوده و زعامت ایران خوب میداند که حاکمیت آخندی زمانی می تواند بهتر مسلط شود که افکار و عقاید مردم را تسخیر نماید. ازین رو زبان فارسی و مذهب شیعه (مذهب رسمی ایران) را بر بلوچ ها و کرد های ایران و بر مردم عرب نشین اهواز بیرحمانه تحمیل می کند و مصمم است تا سنی های ایران را با تهدید و یا تطمیع از تمرین عقاید مذهبی شان منصرف سازد. با تعقیب این پالیسی فاشیستی، زعامت نظام آخندی می خواهد که یک حلقه ای از فدائیان را در داخل و خارج (بالاخص در مجاورت ایران) خلق نماید تا بتواند از ایشان منحصیث افراد و سازمان های فشار متمایل به ایران در توسعه طلبی فرهنگی و سیاسی استفاده نموده و در نهایت به وسیله آنها در سطوح ملی و منطقوی دست به اعمال تروریستی بزند.

مردم آزادمش افغانستان به نظام آخندی ایران هشدار می دهد که ملت افغان توطئه های نظام فاشیستی ایران را با نیروی ایمان و اراده آهنین ملی عقیم خواهد ساخت و از منافع ملی خویش علیه عظمت طلبی و توسعه طلبی ایران آگاهانه دفاع خواهند کرد.

من از خواهران و برادران درد کشیده خود تمنی می نمایم تا صفوف خود را علیه توطئه گری های نظام فاشیستی آخندی ایران و عمال تهران در داخل کشور فشرده ساخته و غرض حمایت و حراست از زبان، هویت و نام کشور شان به پا خیزند. یاد آور می شوم که در حالت کنونی افغانستان، حفظ استقلال و حراست از ناموس وطن بر دوش ملت افغان است نه بر عهده نظام مخلوق و تابع اجانب.

سایه جغد بر فضای ایران در حال گشت و گذار است. اگر حاکمیت آخندی ایران از تجارب شوم کشور همسایه اش عراق نیاموزد و عاقلانه عمل نکند، دیر یا زود به سرنوشت مرگبار صدام حسین گرفتار خواهند شد.



پایان قسمت نهم

ادامه دارد